

خلاصه کتاب

اثر مرکب

اثر مرکب پرفروش‌ترین اثر دارن هاردی Darren Hardy
نویسنده، سخنران و ناشر اسبق مجله موفقیت در آمریکا است.

نویسنده: دارن هاردی

مترجمان: لطیف احمدپور، میلاد حیدری

انتشارات: انتشارات لطیف

خلاصه شده توسط: دکتر حسین محمدی فام

این کتاب وی عصاره موفقیت افراد موفق است که هاردی با آن‌ها در تماس بوده است. در این کتاب هیچ راه سریع یا معجزه‌ای ارائه نشده است بلکه فرمول موفقیتی که اجداد ما هم می‌دانستند با بیانی شیوا و کاربردی بیان شده است.

مقدمه

هیچ فرمول اسرار آمیزی برای موفقیت وجود ندارد. درحقیقت اثر مرکب سیستم عاملی است که زندگی شما را اداره می‌کند، چه در جهت بهتر شدن و چه در جهت بدتر شدن.

کسب موفقیت سخت است. این فرآیند پر زحمت و حتی خسته کننده است. پولدار شدن، نافذ و جهانی شدن در رشته و زمینه خودتان، آهسته و دشوار اتفاق می‌افتد. اشتباه برداشت نکنید، با پیروی از این اصول و مراحل تقریباً بلافاصله نتایج آن را در زندگی‌تان می‌بینید.

فصل اول: اثر مرکب در عمل

مهم نیست که چقدر باهوش هستید، باید نداشتن تجربه، مهارت، هوش یا توانایی‌های ذاتی را با تلاش زیاد و سختکوشیتان جبران کنید. اگر رقیب شما باهوش‌تر، با استعدادتر یا با تجربه‌تر است، فقط لازم است سه یا چهار برابر، سخت‌کوش‌تر باشید تا بتوانید او را شکست دهید، مانند لاک‌پشت در داستان مسابقه لاک‌پشت و خرگوش.

غیرعادی و فوق‌العاده باشید. اگر شبیه بیشتر مردم باشید، معتقدی واقعی به اثر مرکب نیستید.

اثر مرکب اصل به دست آوردن پاداش های بزرگ از طریق مجموعه ای از انتخاب های کوچک و هوشمندانه است.

نکته جالب این است که با وجود دستاوردهای بزرگ، گام‌هایی که در هر لحظه برمی‌داریم خیلی به چشم نمی‌آیند. این تغییرات کوچک باعث نتایجی کوچک یا غیر آنی میشوند، نه پیروزی های بزرگ و آشکار. خیلی ها فریب سادگی اثر مرکب را می‌خورند و خیلی زود از آن خسته می‌شوند.

تفاوت های بنیادین = انتخاب های کوچک و هوشمندانه + پایداری + زمان

اثر مرکب و روش قدیمی موفقیت:

راز موفقیت، سخت کوشی، انضباط و عادت‌های خوب است. بنظر می‌رسد مردم ما قدرت و منزلت کار و تلاش را فراموش کرده‌اند.

درک اثر مرکب، شما را از انتظار کسب نتایج آنی خلاص می‌کند.

در آخر این کتاب یا حتی قبل از آن، من فقط می‌خواهم که از اعماق وجودتان بدانید که تنها راه رسیدن به موفقیت از طریق انجام پیوسته کارهای معمولی، غیر جذاب، غیر مهیج و بعضی وقت‌ها نظم و ترتیب‌های سخت روزانه است که در طول زمان، مرکب شده‌اند.

اگر اصول این کتاب را بکار بندید، پایانی خوش و افسانه‌ای برای خودتان ایجاد می‌کنید.

فصل دوم: انتخاب‌ها

هر چیزی که در زندگی شماست، به این دلیل وجود دارد که قبلا در مورد چیزی، یک انتخاب کرده‌اید. انتخاب‌ها ریشه هر کدام از دستاوردهای شماست.

هر تصمیمی، هر چند کوچک و بی‌اهمیت، مسیر زندگیتان را عوض می‌کند. با چه کسی ازدواج کنید، در غیبت و شایعه‌سازی شرکت کنید یا ساکت بمانید، بگوئید دوستت دارم یا نه، همه این تصمیم‌ها مسیر زندگی شما را عوض می‌کنند.

بزرگترین مساله شما این است که موقع انتخاب‌هایتان اصلا به آن توجه نمی‌کنید. در نصف مواقع، حتی از انتخاب کردن آن‌ها آگاه نیستید! شاید اعتقاد دارید که واقعا بدشانس هستید اما در واقع این عذر و بهانه‌ای بیش نیست، تفاوت در انتخاب‌های شما در زندگیتان نهفته است.

فرمول خوش شانس:

آمادگی (رشد شخصی) + نگرش (باورها - طرز فکر) + فرصت (چیزهای خوبی که سر راه شما قرار می‌گیرند) = اقدام (انجام دادن کاری درباره آنها) = شانس

آرنولد پالمیر می‌گوید: بسیار جالب است هر چه بیشتر تلاش می‌کنم، خوش شانس‌ترم.

دانشگاه ضربه های سخت:

جیم ران می گوید: روز پایان کودکی و شروع بزرگسالی، روزی است که مسئولیت کل زندگی ات را برعهده می گیری. تمام عذر و بهانه هایتان را نابود کنید. حالا موقع آن است که کنترل زندگیتان را به دست بگیرید.

سلاح مخفی تان، برگ برنده تان :

اولین قدم برای تغییر، آگاهی است. اگر می خواهید از جایی که هستید به نقطه ای که می خواهید باشید برسید، نقطه آغاز شما نقطه ای است که شما از مسائلی که شما را از هدفتان دور می کند آگاه می شوید.

چیزهای ساده زندگیتان را نادیده نگیرید، چون همین ها باعث اتفاقات بزرگ در زندگیتان می شوند.

آرام پیش بروید:

نترسید کم کم و با سرعت آرام شروع می کنیم. فقط یکی از عادت هایتان که بیشترین کنترل را بر شما دارد به مدت یک هفته ثبت کنید. فرض کنید انتخاب می کنیم تا خوردن تان را کنترل کنید، وظیفه شما این است هر چیزی را که در دهان می گذارید یادداشت کنید، از استیک، سیب زمینی و سالادی که سر شام می خورید، تا آن انتخابهای خیلی کوچکتان در طول روز مثل شکلات ها، بستنی ها و غیره همه را یادداشت کنید.

ثبت کردن باید کامل و جامع و البته سازمان یافته، منظم، بی وقفه و همیشگی باشد. هر روز در بالای یک صفحه جدید تاریخ آن را بنویسید و ثبت آن را آغاز کنید. بعد از پایان اولین هفته چه اتفاقی می افتد؟ شما مبهوت و متحیر خواهید بود که چگونه این کالری ها، پول ها و دقایق، از دست شما در رفته اند. شما هرگز نمی دانستید آن ها وجود دارند، چه برسد به اینکه ناپدید هم شده اند. باید به مدت سه هفته به ثبت وقایع پردازد اما پس از یک هفته، نتایج چنان شما را تحت تاثیر قرار می دهد که خودتان برای دو هفته بعد این کار را ادامه می دهید.

این کار را تضمین می کنم.

قهرمانان گمنام:

وقتی ثبت وقایع را شروع می کنید، توجهتان همان قدر که روی کوچک ترین چیزهایی که درست انجام می دهید متمرکز می شود روی کوچکترین اشتباهات هم جمع خواهد شد و انتخاب می کنید مدام مسیرتان را اصلاح کنید تا پایدار بمانید. در طول این مسیر منتظر تشویق دیگران نباشید.

زمان خیلی مهم است:

هر چه زود تر شروع به ایجاد تغییرات کوچک کنید، اثر مرکب با قدرت بیشتری به نفع شما کار می کند

آیا با خودتان فکر می‌کنید که برای شما خیلی دیر شده است این یک فکر مزخرف است. فرض کنید در ۴۰ سالگی شروع به نواختن پیانو کنید زمانی که بازنشسته می‌شوید یک استاد پیانو هستید.

اگر در هر روز بازده و درآمدتان را یک هزارم بهتر کنید در نتیجه در هر هفته نیم درصد بهتر می‌شوید و در ماه ۲٪ و در سال ۲۶٪ یعنی درآمدتان هر ۲,۹ سال دو برابر می‌شود و در سال دهم ۱۰۰۰ درصد. این فوق العاده نیست؟ فقط با روزی یک هزارم بهتر شدن همین.

موفقیت دوی نیمه مارا تن است:

شکست خوردن یک عادت است، پیروز شدن هم همینطور. حالا بیایید عادت‌های برنده شدن را دائم در زندگیتان تزریق کنید و عادت‌های مثبتی را که نیاز دارید، ایجاد کنید و در اینصورت می‌توانید زندگیتان را به مسیری که آرزوی شما را دارید هدایت کنید، به گستره بزرگترین تصوراتتان.

منتظر فردا نباشید، اقدام‌های کوچک شما را به سمت اهدافتان هدایت می‌کند، هم اکنون آغاز کنید.

فصل سوم: عادت‌ها

هر چه این عادت‌ها قدیمی تر باشند، بزرگتر می‌شوند، ریشه هایشان عمیق‌تر می‌شود و سخت تر از ریشه بیرون می‌آیند طوری که حتی جرات نمی‌کنی برای از بین بردنشان تلاش کنی.

ارسطو گفته: ما همانی هستیم که مکرر انجام می‌دهیم.

۹۵٪ از همه چیزهایی که احساس می‌کنیم، فکر می‌کنیم، انجام می‌دهیم و به آن‌ها دست پیدا می‌کنیم، در نتیجه یک عادت یاد گرفته شده است!

همه آدم‌های موفق از یک خصیصه مشترک برخوردارند، همه آن‌ها عادت‌های خوب دارند. می‌دانید که آدم‌های موفق لزوماً با هوش تر یا با استعدادتر از بقیه نیستند، بلکه عادت‌هایشان آن‌ها را در مسیری قرار می‌دهد که آگاه‌تر، باهوش‌تر، لایق‌تر، آماده‌تر و با مهارت‌های بهتر شوند.

با تمرین و تکرار کافی، هر رفتاری چه خوب باشد چه بد در طول زمان غیر ارادی می‌شود. یعنی ما خیلی از عادت‌هایمان را ناخودآگاه کسب می‌کنیم ولی می‌توانیم آگاهانه تصمیم به تغییر آن‌ها بگیریم.

ریشه کن کردن عادت‌ها به چیزی بزرگتر از حتی قویترین اراده هانیاز خواهد داشت. نیروی اراده به تنهایی نمی‌تواند آن را ریشه کن کند.

انتخاب شما زمانی معنی پیدا می‌کنند که آن‌ها را به آرزوها و رویاهای تان ربط دهید .

شما باید چیزی را بخواهید که بدانید چرا آنرا می‌خواهید، وگرنه خیلی زود تسلیم می‌شوید. چرای شما باید چیزی باشد که شما را به صورتی خارق‌العاده به هیجان آورد برانگیزد. باید برای سال‌های متمادی بخواهید که بلند شوید و تلاش کنید و تلاش کنید!

انگیزه اصلی:

ارزش‌های اصلی شما مثل قطب نمای درونی شماست و شبیه فیلتری عمل می‌کند که از طریق آن نیازها، خواسته‌ها و وسوسه‌های زندگیتان را اداره می‌کنید و مطمئن می‌شوید که شما را به مقصد مورد نظرتان راهنمایی می‌کنند. اگر صداقت برای شما موضوع بسیار مهمی است، ولی با آدم‌های دروغگو مراد داشته باشید، این یک تضاد است.

وقتی کارهایتان در تضاد با ارزش‌هایتان باشد، سرانجام دچار ناراحتی و افسردگی می‌شوید.

همیشه از خود بپرسید آیا این انتخاب با ارزش‌های اصلی من همخوانی دارد؟ اگر نداشت بروید و پشت سرتان را هم نگاه نکنید. در این صورت تمام نگرانی‌ها و تردیدهای‌تان از بین می‌روند.

اهداف:

اگر به پیشرفتی که هم خواهانش هستید و هم توانایی‌اش را دارید، دست پیدا نکرده‌اید فقط به این است که اهدافتان را به روشنی تعریف کرده‌اید.

آدم‌های ناموفق، اهدافشان را مثل تیله در در یک قوطی سرگردان است، در سرشان حمل می‌کنند، ما می‌گوییم هدفی روی کاغذ نوشته نشده است، صرفاً یک خیال محض است.

برای رسیدن به اهداف جدید باید از خودمان بپرسیم: "اول باید به چه کسی تبدیل شوم؟"

اگر بزرگتر می‌خواهید، باید انسان بزرگتری شوید. موفقیت چیزی نیست که تعقیب‌اش کنید، چیزی که تعقیب می‌کنید از شما فرار می‌کند. مثل تلاش برای تعقیب پروانه‌ها، موفقیت چیزی است که آنرا جذب می‌کنید، آن هم با شخصی که به آن تبدیل می‌شوید.

بهبود خودتان:

شما ← انتخاب (تصمیم) + رفتار (اقدام) + عادت (انجام مکرر) + مرکب شدن (زمان) = اهداف

ضروری است که کشف کنید کدام رفتارها مسیر منتهی به هدفتان را مسدود و کدام رفتارها شما را در دستیابی به هدفتان یاری می‌کند. مثلاً چند ساعت به تماشای تلویزیون یا کار با موبایل گذرانده اید؟

یک دفترچه کوچک بردارید و سه هدف اصلی‌تان را بنویسید. حالا فهرستی از عادت‌های بد را یادداشت کنید تک تکشان را بنویسید. عادت‌ها و رفتارها هرگز دروغ نمی‌گویند. اگر بگوئید بهبود شخصی در اولویت شماست اما جای کتاب خواندن، زمان بیشتری در شبکه‌های اجتماعی صرف می‌کنید. من شبکه‌های اجتماعی را باور نمی‌کنم.

حالا باید تصمیم بگیرید آیا همین خوب است یا میخواهید تغییرش بدهید. به این فهرست عادت‌هایی را که باید کسب کنید را هم اضافه کنید و آن‌ها را تمرین کنید در طول زمان این باعث می‌شود که شکوه‌مندانه به اهدافتان برسید.

پنج روش برای ریشه‌کن کردن عادت‌های بد:

۱- کشف محرک‌ها :

به فهرست عادت‌های بدتان نگاه کنید و تعیین کنید چه چیزی، چه کسی، چه وقتی و چه جایی هر کدام را تحریک می‌کند.

۲- پاکسازی خانه:

خانه‌تان را پاکسازی کنید. منظورم به معنی واقعی کلمه است. اگر می‌خواهید غذاهای سالم تری بخورید، قفسه آشپزخانه‌تان را از همه انواع غذاهای ناسالم خالی کنید و خریدشان را متوقف کنید.

۳- جایگزین کردن:

چگونه می‌توانید عادت‌های بدتان را با عادت‌های سالم‌تر جایگزین کنید ویا این که آن را کاملا رها کنید؟ ببینید چه رفتارهایی را می‌توانید جایگزین یا حذف کنید یا اینکه تغییرشان دهید.

۴- آرام شروع کنید:

در بعضی از عادت‌های دیرینه و با دوام شاید موثر باشد که قدم‌های کوچکی بردارید تا به آرامی، آنها را از بین ببرید. ممکن است دهه‌ها آن عادت را تکرار کرده باشید پس عاقلانه است برای رهایی از آن کمی به خود فرصت بدهید و هر چند وقت یک‌بار بردارید.

۵- یا بپريد:

همه آدم‌ها با یک روش یکسان موفق نمی‌شوند. پژوهشگران کشف کرده‌اند برای بعضی از آدم‌هایی که می‌خواهند تغییر کنند آسان است که یکباره عادات بدشان را عوض کنند.

شش استراتژی برای ایجاد عادت‌های خوب:

شما نمی‌توانید زندگیتان را تغییر دهید مگر این‌که چیزهایی را تغییر دهید که هر روز انجامشان می‌دهید. راز موفقیت شما در رویه‌های روزمره‌تان نهفته است. اگر واقعا می‌خواهید یک عادت خوب را حفظ کنید مطمئن شوید حداقل روزی یک بار به آن توجه می‌کنید و اینطوری، موفقیت شما بسیار محتمل‌تر خواهد بود.

۱- خودتان را برای موفقیت آماده نگه دارید. / ۲- به اضافه کردن فکر کنید، نه کم کردن. / ۳- کارهایتان را به دیگران بگویید. / ۴- یک همراه موفقیت پیدا کنید. / ۵- رقابت و رفاقت. / ۶- پاداش بگیرید.

تغییر سخت است:

چیزی وجود دارد که ۹۹٪ آدم های شکست خورده و آدم های موفق در آن مشترک هستند، همه آنها از انجام دادن کارهای مشابه نفرت دارند. اما آدم های موفق، آن کارها را به هر حال انجام می دهند. تغییر، سخت است. معمولی بودن راحت است، غیر معمولی بودن چیزی است که شما را از انبوه مردم متمایز می کند.

فصل چهارم: تکانش

بدون شک تکانش بزرگ یکی از قدرتمندترین و مرموزترین نیروهای موفقیت است.

طبق قانون اینرسی گفته می شود اجسام ساکن، تمایل به سکون دارند، مگر این که نیرویی خارجی بر آنها اعمال شود. اجسام متحرک تمایل دارند به حرکتشان ادامه دهند، مگر اینکه چیزی مانع تکانش آنها شود.

آدم های موفق یعنی کسانی که به آهنگ موفقیت دست یافته اند، با جدیت به تلاش شان ادامه می دهند و در نهایت به موفقیت های خیلی بیشتری می رسند.

ایجاد تکانش راحت نیست ولی به محض اینکه آنرا به وجود آورید، باید مراقب باشید!

اما این نیرو می تواند به نفع یا علیه شما باشد. اگر عادت های بدتان به حال خودشان رها شوند، نیرویی ایجاد می کنند که شما را به قعر شرایط و عواقب شوم غیر قابل کنترل می فرستد.

شما خودتان تکانش بزرگ را بوجود می آورید یعنی:

- ۱- انتخاب ها و تصمیم های جدید براساس اهداف و ارزش های اصلی تان
 - ۲- به کار بستن آن انتخاب ها از طریق رفتارهای مثبت و سازنده
 - ۳- تکرار کافی آن اقدامات و اعمال مثبت برای به وجود آمدن عادت های جدید
 - ۴- تبدیل رویه ها و ریتم های رفتاری به کارهای منظم روزانه
 - ۵- ثابت قدم و پایدار ماندن برای یک دوره ی به اندازه کافی طولانی.
- بعد تکانش بزرگ سراغتان می آید که خیلی خوب است! و شما توقف ناپذیر می شوید.

رویه های شیرین:

خیلی مهم است که عملکرد هر روزتان را جمع بندی کنید. در مقایسه با برنامه آن روزتان، اوضاع چطور پیش رفته است؟ چه کارهایی را لازم است به برنامه فردا اضافه کنید؟ چه کاری دیگر مهم نیست و باید حذف شود؟ به علاوه من دوست دارم هر ایده یا بینش جدیدی را که در طول روز کسب کرده ام، را ثبت کنم.

هر از گاهی، رویه های ام را متوقف می کنم. در غیر این صورت زندگی راکد و غیر جذاب می شود. یک مثال ساده است کار کردن با وزنه است. با روش های جدید خودتان را به چالش بکشید و تجربیاتتان را تازه کنید.

عادت‌های زندگی‌تان را پیدا کنید:

وقتی رفتارهای منظم روزانه‌تان به یک رویه تبدیل شدند، باید از توالی آن مراحل برای ایجاد یک ریتم رفتاری استفاده کنید. وقتی رفتارهای منظم و اقدامات‌تان را با ریتم‌های منظم هفتگی، ماهانه، فصلی و سالانه تطبیق می‌دهید، مثل این است که مقابله‌خانه‌تان فرش خوش آمدگویی برای تکانش بزرگ پهن می‌کنید.

قدرت ثبات و پایداری:

هیچ چیزی مثل ثبات نداشتن، سریعتر تکانش بزرگ را از بین نمی‌برد. پرواز مستقیم با سرعت کم بهتر از پرواز غیر مستقیم با سرعت زیاد است زیرا انرژی و وقتی که صرف توقف و شروع دوباره می‌کنید، زمان سفرتان را حداقل ده برابر طولانی‌تر می‌کند.

فصل پنجم: تأثیرات

شما به تنهایی مسئول انتخاب‌ها و اقدام‌های‌تان هستید. با این حال باید متوجه باشید که نیروهای قدرتمند خارجی هم روی انتخاب‌ها، رفتارها و عادت‌های شما تأثیر می‌گذارند.

۳ نوع از تأثیرات روی هر شخصی اثر می‌گذارد: ورودی‌ها، ارتباط‌ها و محیط

۱- ورودی‌ها:

کنترل چیزی که مغزمان مصرف می‌کند پیچیده و دشوار است. چون بیشتر چیزهایی را که دریافت می‌کنیم، ناخودآگاه هستند. باید خیلی مراقب باشیم ورودی‌های بی ربط و مخرب، جذب مغزمان نشود.

آب و آلوده ننوشید:

شما چه انتظاری دارید؟ شما انتظار آن چیزی را دارید که درباره اش فکر می‌کنید. فرایند تفکر شما، همان گفتگوی درون ذهن‌تان، پایه و اساس نتایج است که در زندگی‌تان خلق می‌کنید. چه چیزی روی افکار شما اثر می‌گذارد و آن را هدایت می‌کند؟ و جواب آن: هر چیزی که اجازه شنیدن و دیدن آن را به خودتان می‌دهید. این همان ورودی‌هایی است مغزتان را با آنها تغذیه می‌کنید همین و بس!

رژیم رسانه‌ای بگیرید: رسانه‌ها با گروگان گرفتن ما پیشرفت می‌کند. اگر در اجتناب از منفی‌نگری ماهر باشیم و خودمان را تربیت کرده باشیم که سرسختان مثبت باشیم، وقتی موضوع پیروی از احساسات در میان باشد، سرشت اصلی‌مان نمی‌تواند مقاومت کند.

۲- ارتباط‌ها: چه کسانی روی شما اثر می‌گذارند؟ آدم‌هایی که از روی عادت با آنها در ارتباط هستید "گروه مرجع" شما نامیده می‌شوند.

گروه مرجع شما در حدود ۹۵٪ از موفقیت یا شکست‌تان را در زندگی تعیین می‌کند. جیم ران به من یاد داد که

ما به پنج آدمی تبدیل می‌شویم که بیشتر وقتمان را با آنها سپری می‌کنیم.

پیدا کردن یک همراه موفقیت: پیدا کردن شخصی که همان اندازه شما متعهد به مطالعه و رشد شخصی است این شخص باید کسی باشد که به او اعتماد دارید، کسی که به حد کافی جسور باشد تا به شما بگوید درباره شما، نگرش ها و عملکردتان واقعا چگونه فکر می کند.

فصل ششم: شتاب بخشی

در کار وقتی فقط در حال حرکت با همتایانم بودم، اوضاع سخت و دردآور نبود. فقط به اندازه ای تلاش می کردم که همگام با آنها باشم نه این که از آنها جلو بیفتم. این رسیدن به نقطه محدودیتها نیست که به حساب می آید، بلکه مهم این است پس از رسیدن به این نقطه، چه کار می کنید.

نقطه محدودیت یک مانع نیست، یک فرصت است .

وقتی شرایط سخت است، مشکلات پیش می آیند، فریب و وسوسه زیاد است و همان وقتی است که شما باید شایستگی تان را برای پیشرفت اثبات کنید. همانطور که جیم ران گفته بود:

آرزو نکنید که ای کاش آسان تر بود، آرزو کنید خودتان بهتر بودید.

نتایجتان را چند برابر کنید: رشد واقعی با تکرارهایی اتفاق می افتد که بعد از رسیدن به نقطه محدودیت انجام می دهید. در نظر گرفتن خودتان به عنوان سرسخت ترین رقیب تان، یکی از بهترین راهها برای چند برابر کردن نتایجتان است. وقتی به آن نقطه محدودیت می رسید بالا و بالاتر بروید. یک راه دیگر برای چند برابر کردن نتایج تان این است که دیوار آنچه که دیگران از شما انتظار دارند، فشار آورید و بیشتر از حد کافی انجام دهید.

فراتر از انتظار ظاهر شوید: شما می توانید در هر جنبه از زندگی تان، بیشتر از آن چیزی که از شما انتظار می رود، انجام دهید. این کار، تلاش خیلی زیادتری نمی خواهد، ولی همین کمی تلاش بیشتر، نتایجتان را چند برابر می کند.

غیر منتظره باشید: من به شکل ذاتی آدم مخالفی هستم. هر کاری را که اگر آن انجام می دهند من معمولا عکس آن کار را انجام میدهم. برای من، چیزی که عامه پسند است، عادی است.

چیزی رایج است، معمولی است. همه کارت تبریک سال نو می فرستند. ولی از آنجایی که همه این کار را انجام می دهند به نظر من تاثیر زیادی ندارد در عوض من کارت تبریک عید شکرگزاری می فرستم و با دست خط خودم احساسات شخصی ام را بیان می کنم.

هیچ ایده ای ارزش ندارد مگر اینکه همه را حیرت زده کند!